

اطلاعیه از جنبش صلح آلمان

اخطار به مناسبت تهدید اسرائیل به جنگ علیه ایراندر گیریها می‌توانند و باید از طرق صلح‌آمیز حل شوند.

چندی است که در رسانه‌های بین المللی اخبار زیادی در باره‌ی مانور ارتش اسرائیل برای آماده سازی حمله به ایران و تأسیسات اتمی آن انتشار می‌یابند. بر اساس خبر مندرج در روزنامه‌ی تایمز مورخ ۱۶ژوئیه، صحبت از "تدارکات جدی" در میان است. انتقال زیردریایی‌های موشک‌اندازی که از آلمان خریداری شده‌اند به دریای سرخ و تمرین‌های حمله در پایگاه‌های ایالات متحده آمریکا در نوادا و واشینگتن از جمله‌ی این تدارکات هستند. دولت اسرائیل تقریباً هر هفته افکار عمومی جهان را با اخباری در مورد تهدیدهای تازه‌ی ایران غافلگیر می‌کند.

پخش خبر دروغ در باره‌ی چراغ سبز «جو بایدن»، معاون رئیس جمهور آمریکا به اسرائیل برای حمله به تأسیسات اتمی ایران نیز یکی از همین تدارکات است. در این بین، پرزیدنت اوباما به صراحةً علیه "چراغ سبز" موضع گیری کرده است. با وجود این، «ایهود باراک» وزیر دفاع اسرائیل در تاریخ ۲۶ژوئیه در گفتگویی با «رابرت گیتز»، وزیر دفاع آمریکا در باره‌ی مساله‌ی اتمی ایران، بر امکان حمله‌ی نظامی تأکید کرد.

از سوی ایران نیز پیوسته از طریق تهدید علیه اسرائیل به درگیری دامن زده می‌شود. به طوری که به تدریج فضای پیش از جنگ ایجاد می‌گردد. این وضعیت بسیار خطرناکی است. خاور میانه و نزدیک نباید به آتش کشیده شود.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا دولت راست‌گرای «نتانیاهو-لیبرمن» انگیزه‌های دیگری برای تشدید تهدیدهای خود علیه ایران دارد این دولت با توجه به خواست اوباما، رئیس جمهور آمریکا برای حل مشکل خاور نزدیک با هدف راه حل دو کشور مستقل، در برابر وضعیت بسیار دشواری قرار گرفته است. در حالی که دولت ایالات متحده در حال حاضر بر پایان دادن به ساخت شهرک‌های یهودی در خاک فلسطین تأکید دارد، دولت اسرائیل با سرعتی به ساختن شهرک‌های بیشتری، از جمله اخیراً در بیت المقدس شرقی ادامه می‌دهد. آشکار است که این دولت در نظر ندارد راه حل دو کشور را به اجرا درآورد. آیا تشدید تهدید علیه ایران وسیله‌ای در خدمت ایجاد فرصت برای دولت راست‌گرای اسرائیل در قبال فشارهای ایالات متحده است؟ یا قرار است به این وسیله در درازمدت مشروعیتی برای حمله‌ی نظامی به ایران ایجاد شود؟ تاریخ اسرائیل مملو از جنگ‌های تهاجمی است: هوایپماهای جنگی اسرائیل در سال ۱۹۸۱ راکتور هسته‌ای «اسیراک» عراق را که با کمک فرانسه ساخته شده بود ویران کردند؛ تازه‌ترین حمله‌های فاجعه‌بار اسرائیل به لبنان (در سال ۲۰۰۶) و غزه (۲۰۰۸-۲۰۰۹) و همچنین به محلی در سوریه که به عنوان تأسیسات اتمی برآورد شده بود، هنوز در خاطره‌ها زنده‌اند. جنگ احتمالی اسرائیل علیه ایران بر اساس استفاده از زیردریایی‌های آلمانی مدل دلفین و برد پرواز موشک‌های آن طرح ریزی شده است. به این ترتیب، آلمان به طور غیرمستقیم در چنین جنگی سهیم خواهد بود.

ما نسبت به پیامدهای فاجعه‌بار حمله‌ی اسرائیل به ایران اخطار می‌کنیم:

- این جنگ می‌تواند سراسر منطقه را به آتش بکشد.
- این جنگ نیروهای ناسیونالیست و بنیادگرا در هر دو طرف را تقویت، موج تازه‌ی دموکراتیزه کردن ایران را متوقف و دیکتاتوری ثئوکراسی را پا بر جا خواهد کرد.

- فروپاشی کشورها، جنگ داخلی، تعمیق دشمنی‌ها و درگیری فرهنگ‌ها میان دنیای اسلام و غرب می‌تواند پیامدهای دیگر چنین جنگی برای منطقه‌ی خاورمیانه و نزدیک باشد.
- این جنگ می‌تواند به شکست سیاست او باما مبنی بر گفتگو با ایران و بازگشت به سیاست خطرناک نومحافظه‌کاران منجر شود. چنین پیامدی نمی‌تواند به سود هیچکس، از جمله آلمان باشد.

این ادعا که ایران در نظر دارد اسرائیل را نابود کند، برهیچ پایه‌ی منطقی استوار نیست. حمله‌ی اتمی ایران به اسرائیل معادل نابودی خود این کشور است. ایران بر اساس تخمین‌های پژوهشکده‌های صلح و سازمان‌های اطلاعاتی غرب، هنوز سال‌ها از تولید و حمل بمب اتمی فاصله دارد. از این فاصله‌ی زمانی می‌توان برای یافتن یک راه حل غیرنظمی استفاده شود. ما بدون هیچ اما و اگری در این نگرانی شریکیم که برنامه‌ی هسته‌ای ایران به طور کلی به رقابت تسليحاتی اتمی در خاورنزدیک دامن می‌زنند. اما باید دانست که این رقابت تسليحاتی از مدت‌ها پیش به علت تسليحات اتمی گسترده‌ی اسرائیل و مسلح شدن هند و پاکستان به سلاح اتمی با موافقت آمریکا وجود دارد.

از این خطر گسترده می‌توان پیشگیری کرد. به همین دلیل همه‌ی تلاش‌ها باید در جهت حل صلح‌آمیز و غیرنظمی درگیری کنونی، بدون تهدید با چماق عملیات نظامی سمت‌گیری شوند. دموکراتیزه شدن فضای سیاسی ایران می‌تواند سهم به سزاگی برای رسیدن به هدف ادا کند.

ما پیشنهاد می‌کنیم که در مذاکرات آینده با ایران، اصل بر چشم‌انداز امنیت همه‌ی کشورهای خاورمیانه و نزدیک، از جمله امنیت اسرائیل و ایران قرار داده شود. در شرایطی که دیگر نه تهدید متقابل، بلکه احترام و همکاری متقابل بر روابط کشورها مسلط باشد، درگیری‌ها می‌توانند تخفیف یابند. یکی از ابزارهای مهم برای رسیدن به این هدف، ایجاد یک کنفرانس دائمی برای امنیت و همکاری خاور نزدیک و میانه است. درگیری اسرائیل و فلسطین نیز می‌تواند در چارچوب این کنفرانس مورد مشاوره قرار گیرد. اکنون وقت آن رسیده است که این راهبرد مهم استقرار پایدار صلح در منطقه در دستور کار قرار گیرد.

ما از دولت‌های اسرائیل، ایالات متحده آمریکا و ایران می‌خواهیم به منظور بی‌اثر کردن سناریوی تهدید کنونی، از هر گونه تهدید لفظی و نظامی خودداری کنند و برآمادگی خود برای بررسی راه حل صلح‌آمیز این درگیری تاکید ورزند. ما فرمول بندی "همه‌ی گزینش‌ها مطرح می‌مانند" را که شامل جنگ نیز می‌شود، قاطعانه رد می‌کنیم.

ما از دولت آلمان فدرال می‌خواهیم، تحويل زیردریائی‌های دیگری را که قرار است به اسرائیل داده شوند و به طور کلی صدور تسليحات به منطقه‌ی بحرانی خاور میانه و نزدیک را فوراً متوقف کند. همچنین از دولت آلمان می‌خواهیم از همه‌ی امکانات خود برای تخفیف درگیری میان اسرائیل و ایران بهره گیرد.

بتاریخ 3 اوت 2009

آندره آس بورو (سخنگوی کمیته‌ی حقوق پایه‌ای و دموکراسی در امور صلح). راینر براون (مدیر عامل شعبه‌ی آلمانی جمعیت جهانی حقوق‌دانان طرفدار حل صلح‌آمیز درگیری‌ها) آنکلیکا کلاوسن (رئیس شعبه‌ی آلمانی جمعیت بین‌المللی پرشکان برای جلوگیری از جنگ اتمی) هائز پتر دوور (حامی کنفرانسهای بین‌المللی صلح مونیخ). هایکو کاوفمن (برنده جایزه صلح آخن). محسن مسرت (محقق مسائل صلح و درگیری). ویلتروود روشن‌متسلر (پاکس کریستی کمسیون خاورمیانه، حوضه آلمان). کلمنس رونفلد (سخنگوی گزارشگر شاخه‌ی آلمانی اتحادیه‌ی بین‌المللی آشتی در زمینه‌ی صلح) تمار شتاين بیکر (رئیس جایزه صلح در شهر آخن و سخنگوی همکاری برای صلح) مانی شتنر (مدیر عامل شبکه همکاری برای صلح) پتر شتروینسکی (سخنگوی شورای صلح کاسل)